

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ترمینولوژی حقوق مدنی

مؤلفان:

علیرضا شکر بیگی

دانشجوی دکتری دانشگاه تهران (خوارزمی)

عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور

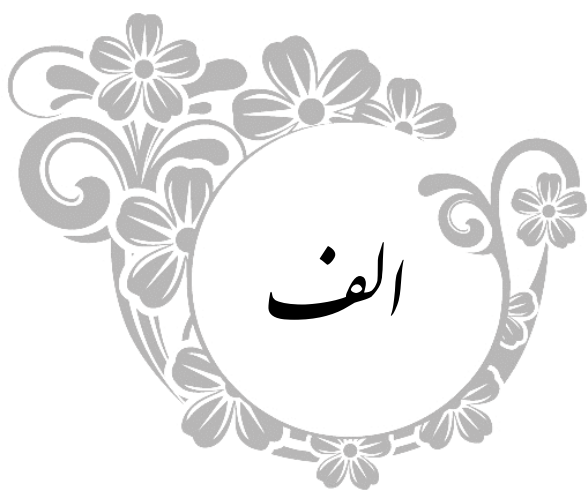
یحیی پیری

فهرست مطالب

الف.....	۹	ط.....	۱۸۹
ب.....	۹۳	ظ.....	۱۹۵
ت.....	۹۹	ع.....	۱۹۷
ث.....	۱۳۱	غ.....	۲۱۳
ج.....	۱۳۳	ف.....	۲۱۷
ح.....	۱۳۷	ق.....	۲۲۱
خ.....	۱۴۹	ک.....	۲۲۹
د.....	۱۵۱	گ.....	۲۳۱
ر.....	۱۵۳	ل.....	۲۳۵
ز.....	۱۵۹	م.....	۲۳۷
س.....	۱۶۱	ن.....	۲۷۳
ش.....	۱۶۵	و.....	۲۸۱
ص.....	۱۶۹	ه.....	۲۹۵
ض.....	۱۷۳		

نشانه‌های اختصاری

ا.م.ج.	 اصول محاکمات جزایی
ق.ا.	 قانون اساسی
ق.ا.ح.	 قانون امور حسبی
ق.آ.د.ک.	 قانون آیین دادرسی کیفری
ق.آ.د.م.	 قانون آیین دادرسی مدنی
ق.ک.د.ا.	 قانون کیفری دادرسی ارتش
ق.ت.	 قانون تجارت
ق.ث.ا.	 قانون ثبت اسناد
ق.ح.خ.	 قانون حمایت از خانواده
ق.م.	 قانون مدنی
ق.م.ا.	 قانون مجازات اسلامی
ق.م.ع.	 قانون مجازات عمومی
ق.م.م.	 قانون مسئولیت مدنی
ف.ح.	 فرهنگ حقوقی
ر.ک.	 رجوع کنید
ج.	 جلد
س.	 سطر
ش.	 شماره
ص.	 صفحه
ع.	 علیه‌السلام
ل.	 لغوی
ح.	 حقوقی
م.	 ماده
ت.	 تبصره
د.	 دانشنامه حقوق خصوصی / سیاسی



□ ابراء relief, discharge, release, acquit

ل: بری کردن، بیزار کردن، بری کردن ذمه، پاک کردن و بیزار ساختن، از بیماری رهانیدن و شفا دادن.

ح: در لغت به معنی بهبود، تندرست گرداندن، بی‌عیب گرداندن، شفا یافتن است. در حقوق فقه، ایقاعی است که نتیجه‌اش اسقاط اثر حقوق است با قصد و رضای یک جانبه خواه در برابر عوض باشد خواه نباشد.

ابراء از دعوی: کسی که به دعوی حقی بر دیگری اقامه دعوا کند می‌تواند دعوی خود را ساقط کند این است ابراء از دعوی فرق نمی‌کند که موضوع آن دعوی عین مال باشد یا دین. اسقاط عین درست نیست ولی اسقاط دعوی معینی صحیح است.

ابراء بعد از حواله: پس از عقد حواله و پیش از قبول محال علیه محتال می‌تواند ذمه محیل را ابراء کند، زیرا دین هنوز در ذمه محیل باقی است فقط حق مطالبه‌ای که محیل داشته به موجب عقد حواله واگذار به محتال کرده است.

ابراء به قصد تقرّب: می‌توان ذمه عالمی فقیه را جهت قربه الی الله اسقاط کرد این ابراء به قصد تقرّب است.

ابراء دین تضامنی؛ دو صورت دارد: اول با وحدت بستانکار. دوم با تعدد بستانکار، به هر حال اگر یکی از بدهکاران را ابراء کند که متعهد دینی را ضمانت کرده است، سایر بدهکاران هم بری می‌شوند. مگر اینکه تصریح به سقوط ذمه یکی از بدهکاران تضامنی وجود داشته باشد. ابراء ذمه که یکی از آنان به سود مدیون می‌کند فقط در قدر سهم او مؤثر بوده و مسقط دین است. (م.ق ۶۹۸ ماده)

ابراء دین مشاع؛ اگر وراث دینی دو فرزند باشند و یکی از آنان سهم الارث خود را از آن طلب مورث ساقط کند در قدر سهم خودش نافذ است و سهم وارث دیگر کاملاً به حال خود محفوظ است.

ابراء ضامن؛ یعنی پس از عقد ضمان، مضمون له ذمه ضامن را ابراء کند. هر گاه عقد ضمان ناقل ذمه باشد ذمه مضمون عنه هم بری می‌شود. اگر ضمان تضامنی باشد. ذمه مضمون عنه به جهت ابراء ضامن بری نمی‌شود. (م.ق ۶۹۸ ماده)

ابراء غاصب؛ یعنی مغضوب عنه تعهد غاصب را به رد عین مغضوبه ساقط کند.

در این صورت ید غاصب که عدوانی بوده است، مبدل به ید امانی می‌شود.

ابراء كفيل: پس از انعقاد عقد كفالت مكفول له می تواند ذمه كفيل را از تعهدی كه بر عهده گرفته است بری كند. این را ابراء كفيل گویند.

ابراء مجهول: دو صورت دارد. اول ابراء از دین مجهول القدر یا دین محتمل.

دوم. ابراء از مدیون مجهول، كه هر دو درست است.

ابراء محال علیه: و این در زمانی است كه پس از عقد حواله و قبول حواله از جانب محال علیه و پیش از پرداخت مال الحواله محال ذمه محال علیه را ساقط كند.

ابراء مضمون عنه: این در ضمان تضامنی تصور می شود. هر گاه پس از عقد ضمان . مضمون له ذمه مضمون عنه را ساقط كند ذمه ضامن هم ساقط می شود. در ضمان نقل ذمه به محض انعقاد عقد ضمان، ذمه مضمون عنه ساقط می شود.

ابراء معلق: تعلیق در عقود و ایقاعات علی الاصول اشكال ندارد پس بستانكار می تواند بگوید: اگر من پیش از تو مردم تو از تاریخ فوت من بری هستی.

ابراء معوض: ابراء مقرون به تعویض است و این بسیار نادر است.

ابراء موقت: در مورد محال مدیون به رضای یک جانبۀ و این متصور است که جهل این بعضاً اسقاط می‌شود. این در واقع اسقاط بعضی از اجل دین است.

ابراء میت: مراد شخصی حقیقی است و ماده ۲۹۱ ق.م. برای او فرض ذمه کرده است پس ابراء ذمه وی صحیح است.

□ ابراء

ل: چشم پوشی اختیاری بستانکار از طلب خود.

بستانکار: کسی که به نفع او تعهدی بر ذمه‌ی دیگری (بدهکار) وجود دارد و دائن هم به همین معنی است.

ضمان موصی: اگر موصی در وصیت تملیکی طوری وصیت کند که موجب ضرر وارث خود گردد ضامن جبران است. این در وصیت به منافع ملک تصور می‌شود که در ماده ۸۴۹ ق.م. آمده است.

ضمان موقت: گویند مثلاً ضامن بگویند از این تاریخ تا ۳ ماه ضامنم که بدهی مضمون‌عنه را ضمان بدهم اگر مضمون‌له برای وصول طلب خود در آن مدت به ضامن مراجعه نکند عقد ضمان ساقط است و او می‌تواند به مدیون اصلی مراجعه کند.

ضمان ناقل ذمه: عقد ضمانی که به محض انعقاد موجب برائت ذمه مدیون اصلی که مضمون عنه خوانده می شود گردد. در شرع و قانون مدنی اطلاق عقد ضمان محمول بر ضمان نقل ذمه است. در برابر ضمان تضامنی به کار می رود عقد اگر اقامه شود ذمه مدیون اصلی مجدداً مشمول می گردد.

ضمان نفقه: نفقه اگر دین باشد قابل ضمان است اگر دین نباشد (مانند نفقه اقارب زوجه) قابل ضمان در عقد ضمان است.

ضمان واحد به نفع متعدد: مانند ضمان یک نفر از مدیون اصلی به سود وارث یک طلبکار اگر تصریح به تضامن بین مضمون لهم نشود و ضمان ناقل ذمه باشد طلب مضمون هم از ضامن، طلبی است مشاع و حکم طلب مشاع بر آن بار است اگر ضمان هم ذمه به ذمه باشد به قاعده تضامن بدهکاران طلب خود را وصول می کنند به هر حال بین ورثه تضامن نیست و هر قدر که وصول کننده به همه تعلق دارد. اگر در عقد ضمان تصریح به حالت تضامن بین بستانکاران شود هر وارث حق وصول تمام طلب را دارد و دادن دین به یکی از ورثه موجب برائت ذمه ضامن است.

ضمان ید: یعنی ضمان کسی که به نحوی از انحاء وضع ید بر مال غیر کرده باشد. مانند: وضع ید در غصب، سرقت، عاریه مضمونه، در مورد غرور و در مورد مقبوض به عقد یا ایقاع فاسد یا غیر نافذ و در مورد مقبوض به سوم، عدوان شرط ضمان ید نیست اگر بر مال مورد اباحه انتفاع وضع ید کند به نفع مالک عین ضامن است نه به نفع مباحله.

ضمان مال: یعنی مسئولیت مالی، معادل مسئولیت مدنی در عصر حاضر است.

ضمان مال الجعاله: جعاله از ایقاعات است، به هنگام واقع ساختن جعاله و پیش از شروع عامل به عمل می‌توان از تعهد جاعل ضامن شد. زیرا سبب تعهد که جعاله است حادث گردیده است و همین مقدار برای انعقاد عقد ضمان کافی است.

ضمان مالم یجب: یعنی ضامن شدن از دینی که در حین عقد ضمان وجود خارجی ندارد و بعداً ممکن است وجود پیدا کند چنان که وجوب به معنی وقوع است. ضمان مالم یجب باطل نیست اگر سبب دین مدیون اصلی در حین عقد ضمان وجود داشته باشد.

ضمان مثل: یعنی مسئولیت مسئول مدنی به دادن مثل مال مورد اضرار و تجاوز.

ضمان محجور: صغیر و دیوانه مشمول احکام وضعی هستند. پس به موجب قوانین ضمانات قهری ضامن تواند بود. ضمان مریض: اگر مریض مشرف به موت ضامن کسی شود و بمیرد تعهد او از ثلث محسوب است.

ضمان مزاحم و مانع: کسی که مزاحم یا مانع مالک مال در حفاظت از مال خود گردد و بر اثر ترک حفاظت زیان متوجه مالک شود مسئول جبران خسارت مالک است. کسانی که دولت زندانی کند اگر نتواند حفاظت اموال خود کنند و ضرری وارد شود آیا مشمول همین حکم‌اند؟ در اجراء قاعده (الا متناع بالاختیار لاینافی الاختیار) است دولت باز است یعنی محبوس به اختیار خود ملزم به ترک حفاظت مال خود شمرده است پس چرا دولت مسئول آن زیان شود؟

ضمان مستعیر: همان ضمان عاریه است.

ضمان مسمی: به معنای ضمان معاوضی است.

ضمان مطلق: عقد ضمانی است؛

(۱) که متعاقدين در آن معترض نقل ذمه یا ضم ذمه به ذمه نشده باشند.

(۲) عقد ضمانی است که در آن متعرض زمان ادای دین به وسیله‌ی ضامن نشده باشد.

ضمان معاملی: به معنای ضمان معاوضی است.

ضمان معاوضه: به معنای ضمان معاوضی است.

ضمان معاوضی: (ضمان به عوض، ضمان به عوض السمی، ضمان مسمی، ضمان العقود، ضمان معاوضه، ضمان معاملی، ضمان به مسمی، ضمان به ثمن یعنی در عقود مالی معوض اگر یکی از عوضین قبل از قبض تلف شود عوض دیگر را بابت جبران خسارت مالک بدهند.

ضمان معلّم: شاگرد صغیر که ضمن تعلیم ضرر به ثالث برساند یا به خودش زیان برساند معلّم مسؤل است. اگر جرمی از او سرزند نسبت به معلّم جرم شبه عمد است اگر شاگرد عاقل و بالغ باشد ضرری که به ثالث می‌رساند نسبت به معلّم عنوان تسبیب را دارد. مثلاً ضمن تعلیم رانندگی به دیواری برخورد و آسیب برساند.

ضمان مفتی: اگر مفتی در افتاء خطا کند و ضرر برساند مسؤل است. اگر اهل افتاء نبوده باشد ضامن آن کس است که به نااهل مراجعه کرده است. او مباشر اقوی از سبب است.

ضمان مقبوض: کسی که مالی را به دستاویز عقدی فاسد یا ایقاعی فاسد ستاند ضامن رد آن به مالک است.